

دیوان شاه نعمت الله ولیؒ ، پیر طریقت حافظ که در موردش سروده است  
آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا بود که گوشه پیشمی به ما کنند؟

دیوانی است که تمامی نسخه های چاپی آن چه قبل از انقلاب استعماری و چه پس از  
آن سانسور و تحریف شده است و تنها نسخه فطی آن معتبر است که ما تنها به  
بفشهایی از آن دست یافته ایم

قدرت کردگار می بینم\*\*\* حالت روزگار می بینم

از نجوم این سخن نمی گویم\*\*\* بلکه از کردگار می بینم

از سلاطین گردش دوران\*\*\* یک به یک را سوار می بینم

از بزرگی و رفعت ایشان\*\*\* صفوی برقرار می بینم

آفرینشاهی صفوی\*\*\* یک مسینی به کار می بینم - شاه سلطان حسین

نادری در جهان شود پیدا\*\*\* قامتش استوار می بینم

آفر عهد نوجوانی او\*\*\* قتل او آشکار می بینم

شهر تبریز را چوکوفه کنند\*\*\* شهر طهران قرار می بینم

از شهنشاه ناصرالدین شاه\*\*\* شیونی بیم دار می بینم

در شب شنبه ماه ذیقعدده\*\*\* تن او برکنار می بینم

بعد از آن شه مظفرالدین را\*\*\* توبدان برقرار می بینم

شه چو بیرون رود ز جایگهش\*\*\* شاه دیگر به کار می بینم - رضاشاه

نوجوانی مثال سرو بلند\*\*\* رستمش بنده وار می بینم

چون فریدون به تفت بنشیند\*\*\* پسرانش قطار می بینم

چون دو ده سال پادشاهی کرد\*\*\* شهیش را تباه می بینم

بعد از آن شاهی از میان برود\*\*\* دولتی پایدار می بینم - آغاز حکومت دجال

قصه ای بس غریب می شنوم\*\*\* غصه ای در دیار می بینم

شور و غوغای دین شود پیدا\*\*\* سربسر کارزار می بینم

غارت و قتل مردم ایران\*\*\*دست خارج به کار می بینم  
گهنة رندی به کارا هریمنی\*\*\*اندراین روزگار می بینم  
رنگ یک پیشه او به رنگ کبود\*\*\*قری بر فر سوار می بینم  
هر قدم از فرش بود میلی\*\*\*دور گردون غبار می بینم  
لشگراو بود ز اصفاهان\*\*\*هم یهود و مجار می بینم-یهود کنایه از بددین  
متصف بر صفات سلطان است\*\*\*لیک من گرگ وار می بینم  
کاروبار زمانه وارونه\*\*\*قمط ، هم ننگ و عار می بینم  
عدل و انصاف در زمانه او\*\*\*همچو هیمة به نار می بینم  
در زمانش وفا و عهد درست\*\*\*همچو یخ در بهار می بینم  
بس فرومایگان بی حاصل\*\*\*مامل کاروبار می بینم  
مذهب و دین ضعیف می یابم\*\*\*مبتدع افتخار می بینم  
ظلم پنهان ، خیانت و تزویر\*\*\*بر اعظم شعاری می بینم  
ظلمت ظلم ظالمان دیار\*\*\*بیمد وبی شمار می بینم  
ماه را روسیاه می بینم\*\*\*مهر را دل فکار می بینم  
دولت مرد وزن رود به فنا\*\*\*مال مردم فکار می بینم  
اندکی دین اگر بود آن روز\*\*\*در مد کوهسار می بینم  
جنگ و آشوب و فتنه و بیداد\*\*\*از زمین و یسار می بینم  
در فراسان و مصر و شام و عراق\*\*\*فتنه و کارزار می بینم  
دور ایشان تمام خواهد شد\*\*\*لشگری را سوار می بینم  
نایب مهدی آشکار شود\*\*\*بلکه من آشکار می بینم  
سیدی را ز نسل آل حسن\*\*\*سروری را سوار می بینم  
جنگ او در میان افغان است\*\*\*لشگرش بیشمار می بینم  
پادشاهی تمام دانایی\*\*\*سروری باوقار می بینم  
بندگان جناب حضرت او\*\*\*سر بسر تاجدار می بینم

تا چهل سال ای برادر من\*\*\*دور آن شهریار می بینم- منظور به فاطمه رسانیدن چهل سال دجال است قبل از ظهور

بعد از آن خود امام فواید بود\*\*\*که جهان را مدار می بینم  
صورت و سیرتش چو پیغمبر\*\*\*علم و حلمش شکار می بینم  
جنگ سفتی شود تمام جهان\*\*\*کوه و صحرا تباہ می بینم- جنگ جهانی سوم  
مردمان جهان ز دفت و پری\*\*\*جملگی در فرار می بینم  
مر مسیح از سما فرود آید\*\*\*گور دجال زار می بینم- آن مضرت شریرترین کافران را  
از گور بیرون می کشد

مهدی وقت و عیسی دوران\*\*\*هر دو را شهسوار می بینم  
قایم شرع آل پیغمبر\*\*\*به جهان آشکار می بینم  
از کمر بند آن سپهر وقار\*\*\*تیغ چون ذولفقار می بینم  
سوی مشرق زمین طلوع کند\*\*\*قتل دجال زار می بینم  
دین و دنیا از او شود محمور\*\*\*فلق از او بختیاری می بینم  
هفت باشد وزیر سلطانم\*\*\*همه را کامکار می بینم  
عاصیان از امام معصوم\*\*\*فجیل و شرمسار می بینم  
گرگ بامیش، شیربا آهو\*\*\*در چرا برقرار می بینم  
در ألف و ثلاثین دوفران می بینم\*\*\*وز مهدی و دجال نشان می بینم - ألف و ثلاثین  
= سالهای هزار و سیصد هجری

دین نوع دگر گردد و اسلام دگر\*\*\*این سر نهان است عیان می بینم

## نشانه های ظهور

پدید آمدن دود در جهان- ظهور دجال در ایران- ظهور دابة الارض (قدرتی بلا منازع در زمین)- فروج یاجوج و ماجوج گروهی وحشی از میان مسلمانان- شاید القاعده- صیحه آسمانی- علایمی در فورشید و ماه

تخیرات شدید جوی(پیامد گرمایش زمین در اثر افزایش مونوکسیدکربن)-فشکسالی  
وقمطی فراگیر(مومن روزی چند بار آرزوی مرگ کند از اینکه می بیند که مردمان بر  
یکدیگر ممله برند و یکدیگر را می فورند)-قیام یمانی-کودتای سفیانی در سوریه-جنگ  
جهانی سوم(به قول امام صادق قبل از ظهور منجی،قدرتهای بزرگ یکدیگر را تقریباً از بین  
می برند)-هرج و مرج و آشوب-آتشفشانها،طوفانها و زلزله های عظیم-شیوع گسترده  
بیماریهای مسری وکشنده-فوف در عراق-جنگ داخلی در ایران وقتل عام رومانی نمایان  
نابودی کامل یا عذاب شدید کلیه شهرهای -ماکم برایان و سپاهیان آنان  
زمینه سازان (جهان(قرآن)وزلزله مهیب تهران-تشکیل حکومتی از نیکوکاران در ایران  
ظهور-مدیث نبوی:چون ایشان قیام کنند با پرچم های سیاه از جانب فراسان; خود رابه  
آنان برسانید متی اگر با گذر از روی برف باشد)-هریک از شما باید تیری برای ظهور منجی  
ذفیره کند-قتل ملک عبدا...درماه ذی الحجه- هرکس برای من قتل امیر  
عبدا...را تضمین کند،ظهور مهدی را برایش تضمین می کنم-امام صادق ع-از بین رفتن  
آمریکا و فتح اسرائیل توسط زمینه سازان ظهور(کار در سرزمینهای اشغالی به جایی رسد  
که مسلمین از زیر سنگ یهودی بیرون کشند...ه)  
آن هنگام که پاره ای از نشانه های پروردگار آشکار شود،نفسی را ایمان آوردن سود  
نهد.ونه نفسی را که به هنگام ایمان،کارنیکي انجام نداده باشد-قرآن  
پیشگوییهای انجیل در مورد ایران  
وعده های عذاب:۱-مایه قوت ایشان را فواهم شکست.۲-در چهار گوشه عالم پراکنده  
شان فواهم ساخت.۳-ایشان را مشوش و مضطرب فواهم ساخت  
وعده های نیک:۱-تفت خود را در ایران قرار فواهم داد.۲-سروران و مکرران ایشان را  
هلاک فواهم ساخت.۳-اسیران ایشان را باز فواهم آورد

پیشگوییهای زرتشت

جاماسب نامه: پیامبر عرب آخرین پیغمبران باشد.دین او اشرف ادیان باشد و کتاب  
او باطل گردانده می کتابها را.از فرزندان آن خورشید جهان کسی پادشاه شود در دنیا به

مکه یزدان که جانشین آخر آن پیامبر باشد... و ظهور او در آخر الزمان باشد... و همه جهان را یک دین کند و فقر را ریشه کن کند و همه مردم جهان را هم فکرو هم گفتار و هم کردار نماید

زرتشت نامه: زرتشت از اهورامزدا از سرنوشت ایران در آخر الزمان می پرسد. اهورامزدا ابتدا از یک دوره سیاه و پر مصیبت پیروی شیطان و دیو بر ایران یاد می کند و سپس نوید ظهور سوشیانس را می دهد: ... در پایان هزاره فرشته موکل بر زمین گنجهای فراوان در زیر مردم سیاه زمین ایران راهویدامی کند (نفت). «دیوکین» ظاهر می شود - دجال - و تمامی پوش می شوند. کم آبی و خشکسالی می آید و آبهای بدون باران ظاهر می شوند. جشنهای کنار گذاشته می شوند. عده ای از مردم ایران آواره می گردند. قشربست نورو زومهرگان مال و نعمت فراوان می اندوزند. سلطنت به غیر ایرانی (سید هندی!) و آنان غلامباره باشند و هوسباز (از عادات موزوی!). آنگاه مردم ایران دررنج و عذاب فوهند افتاد. چنان و ایران کاملاً ویران می رنجی که متی در زمان افراسیاب و ضماک نیز دیده نشده شود... آنها از پست ترین نژاد هستند - از سیکهای هندوستان! - آنها به یاری سمروجادو ده ویران کنند و همه چیز را بیلایند و دین و پیمان و شادی و راستی های ایران که من آفریده را از بین ببرند و دین من به نیستی رسد. آنان فریفتار هستند و بدترین دین را دارند. زیرا آنچه را که گویند نکنند - مظاهر نفاق - . مهر پدر را از پسر و برادر را از برادر بگیرند

در آن هنگام دارودرخت بکاهد و هنرو نیروی مردان کم باشد و آزره و سپاس از نان و نمک ندارند. مردم از زندگی به تنگ

آمده و مرگ فویش را از من خواهند و جوانان راهوای بازی و رامش از دل بر نیاید. صدقه ندهند و مردم ایران به سوی باختر (غرب) تباه شوند و به سبکی و آلودگی رسند. وایمان به معاد برود. زرتشت پرسید: دادار، چه هنگام دیوان تباه شوند؟ فرمود: هرگاه نشان سیاهی در فراسان پیدا شود و لشگری از آنسوی آهنگ دیوان کنند و طی سه جنگ در ایران از آنان کشتاری کنند که هیچ دشمنی تا آن روز ندیده باشد و از کشته هایشان پشته سازند... سپس سوشیانس بیاید و جشن و سرور با ایرانیان باشد

هزاره سر آید به ایران زمین\*\*\*دگرگون بود کار و شکل همین  
بود مکرانی آن دیوکین\*\*\*که دین بهی را زند بر زمین  
چو آید به گیتی نشان سیاه\*\*\*دگرگون شود دین و آیین و راه  
جز آرز و نیاز و بجز فشمه و کین\*\*\*نبینی تو بافلق روی زمین  
بجز راه دوزخ نورزند هیچ\*\*\*نبینی کسی کو بود دین بسیج  
نه نوروذ دانند نه مهرگان\*\*\*نه جشن و نه رامش نه فروردگان  
برآید همی ابردرآسمان\*\*\*که باران نبارد به هنگام آن  
زگرمای گرم و زسرمای سفت\*\*\*بریزدبسی برگ و بار درفت  
بسی نعمت و مال گردآورند\*\*\*مرآنرا به زیر زمین گسترند  
نیامد کسی را چنان رنج و تاب\*\*\*به هنگام ضماک و افراسیاب  
ز هر جانب آهنگ ایران کنند\*\*\*به سه ستوراننش ویران کنند  
بپرسید زرتشت بار دگر\*\*\*ز هر مزدادار پیروزگر  
سیه جامه را کی نماید شکست\*\*\*چگونه شود دیو ناکام، پست  
که جانم ز تیمار گریان شدست\*\*\*دل از اندوه و رنج بریان شدست  
اندوه مدار بدو گفت دادار پروردگار\*\*\*که ای مرد دین دار  
چو هنگام ایشان شود در جهان\*\*\*پدید آید از چنگدگونه نشان  
زمین فراسان ز نم و بخار\*\*\*شود چون شب داغ، تاریک و تار  
برآید نشان از فراسان سپاه\*\*\*چو آید به وقت و به هنگام گاه  
یکی شاه باشد به هندوبه چین\*\*\*ز تخم کیان اندر آن وقت کین  
گروهیش شاپور خوانند نام\*\*\*بیابد زگیتی بسی نام و کام  
کشدهسوی بلخ و بخارا سپاه\*\*\*کند روی کشور زهرسو نگاه  
زپارس و فراسان و از سیستان\*\*\*یکی لشکر آرد عجب بیکران  
به ایران بباشد سه جنگ تمامه\*\*\*بسی کشته کردند مردان نام  
شود اهرمن جنگ را چاره گر\*\*\*با نره دیوان پرفاشگر

شود لشگر دیو ناپایدار\*\*\*بسی فسته و کشته در کارزار  
بیاید پس آن مرد فرنده نام\*\*\*که بهرام خواند ورا خاص و عام  
بگیرد سر تفت و تاج شهان\*\*\*جهان را رهند از آن گمراهان  
دیگرعلایم آفرالزمان به نقل از پیامبر اسلام ص و معصومین  
در امت من روزگاری آید که در آن قاتل نمی داند که چرا کشته و مقتول نمی داند که  
چرا کشته شده. پرسیدند که چگونه ممکن است؟ فرمود: به سبب هرچ و مرج. سپس  
فرمود: قاتل و مقتول در آتشند. و سپس: تو اگر توانستی از کشته شدگان باش  
زکات از مستمقین قطع کنند. مسکرات آشکار سازند. غیبت را فوشی و شوفی دانند. مراجه  
را مباح دانند. نماز را تأخیر بیا نوازند. والدین را دشنام دهند و به مرگ آنان شاد  
شوند. همسایه را جفا کنند. میای کوچکان که شود. برادر به برادر مسد و رزد. وفا که  
شود. زنا فراوان گردد. کبر و منیت چون سم در دلها راه یابد. بیدادگری و جرایم آشکار  
گردد. مومنین فوار و منافقین عزیز باشند. صورتشان صورت آدمی و دلهایشان دل شیطان  
است. زندانبانانی فوهند بود که درفشه فدای روزا شب و شب را روز می کنند. مبادا  
از همرازان آنان باشی. بازارها به یکدیگر منتقل می گردد. قرآن ها زینت می شود. مساجد  
را مثل محابد یهود و کلیسا زینت دهند. مناره ها را بلند سازند. طلاق فراوان شود. مردان  
امت من خود را به طلا بیا ریند و لباس ابریشم برتن کنند. مردم پست عمارتهای مکه  
رفیع البنیان بسازند. ظروف طلا و نقره استعمال می کنند. ربا را به صورت بیع و رشوه رابه  
اسم هدیه ملال شمرند. بعضی مردم به گورستان رفته و آرزوی مرگ کنند. از برای دنیا  
برادران خود را بکشند. مرگ مفاجات زیاد شود. در راهها و شهرها غارت زیاد شود. فتنه و  
اضطراب بسیار شود. مردم محارجه خود را وطنی نمایند. زنان خواننده زیاد شوند. زلزله فراوان  
گردد. عمرها که شود. بلاها ظاهر گردد. تار و ساز آشکار گردد و آنرا مستمسک  
شمارند. عابدان ریاکارند. و تاجران ربا فوار و زنان ایشان زناکار. توانگران مچ را برای تفریح و  
تجارت بجای آورند. بیشتر علما شیرترین خلق خدا هستند در زمین. فقهای گمراه کننده  
زیاد شوند. قرآن را به غنا خوانند. خونریزی زیاد شود. لجاجت در میان مردم آشکار

گردد. فقر بسیار شود. سال به سال بدعت و شر و فسق و فجور از سال پیش زیادتر گردد. در آن هنگام زیرزمین از روی آن بهتر است. باران ها در غیر موسم بیارد. جماعتی از پیروان شیطان ادعای امامت کنند و مردم را گمراه و از دین منحرف سازند و ای برآنانی که به دست خود کتاب می نویسند و از آن دکانی برای خود باز می کنند. از اینان با عنوان پلیدان در ملکوت آسمانها یاد می شود (چون کار به دست ناهل افتد چشم به راه قیامت باش-- پیشتر روی قیامت کذابینی فوهند بود، از آنان مذر کنید). کفار بر همه اهل اسلام مسلط شوند. دو گروه از عجم در هم ریزند به فونریزی- بر سر لفظ کلمه عدل- و آن روز است که یکی از اولاد من به سلطنت برسد و اسلام را طاهر کند و زمین را که پر از ظلم و جور شده از عدل و داد پر کند. چهار دیوار کاغذ ظلمات در هم شکند و پرده از روی دلها بردارد. داد مظلوم از ظالم بگیرد. و به فانه کعبه تکیه کند و بگوید: انی بقیه ا... و مجتبه و خلیفه علیکم

او (فدا) کسی است که پیامبر خود را برای هدایت مردم فرستاد با دینی راستین و برحق تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند- قرآن مسیح ع نیز فوهد آمد تا صلیب را بشکند و دینی و امد را اعلام فرماید هر آینه او از نشانه های نزدیک شدن قیامت است- قرآن عیسی ع را نکشتند و مصلوب نکردند بلکه این امر بر آنان مشتبه شد... یقیناً او را نکشتند بلکه فدا او را به سوی خود فرابرد- قرآن

**جهان در انتظار عدالت**

**و عدالت در انتظار قائم آل محمد**